

بیمه‌های اجتماعی و تعاونی در فقه مذاهب اسلامی



۱۷

مطالعات فقهی و حقوقی
شماره ۲۱۵ - بهار ۱۳۹۲
سال هشتم

■ سید مجتبی حسینی الموسوی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

smh.almousavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

چکیده

همراه با تحولات روز افزون دنیا، پیمان‌نامه‌هایی در میان مردم رواج یافتند که در زمان شارع هیچ سابقه‌ای نداشتند. این پیمان‌نامه‌ها در لسان فقهای فریقین، «عقود غیر معین» نام گرفتند. برخی از این پیمانها همانند بیمه‌های اجتماعی و تعاونی جایگاه مهمی در زندگی معاصران یافته‌اند، به طوری که نظم و امنیت جامعه بدون آنها به مخاطره می‌افتد. به همین دلیل، نحوه مواجهه فقها با عقد بیمه به عنوان یک عقد غیر معین نیز بسیار حائز اهمیت خواهد بود. از این رو برخی از فقها با استناد به احکام حمایتی در فقه و فقدان تطابق این عقد با اصول کلی معامله حکم به بطلان آن دادند؛ در مقابل این جریان فقهی، برخی دیگر از حقوق‌دانان اسلامی نه تنها عقد بیمه را با چهارچوب کلی صحت هر معامله سازگار دیدند، بلکه این عقد را از نظر ماهوی به یکی از عقود رایج در زمان تشریح نزدیک دانستند. با وجود دیدگاهها و روشهای فقهای متأخر، نباید از شیوه‌های متقدمان در واکاوی این عقود غافل شد، بلکه برای نیل به هدف و مقصود باید از تمامی شیوه‌های قدیم و جدید به طور همه جانبه بهره برد.

کلیدواژه‌ها: بیمه‌های اجتماعی و تعاونی، فقه مقارن، عقود غیر معین، تکافل عمومی، مسائل مستحدثه، اصول کلی معامله.



مقدمه

فقه‌های فریقین در بررسی عقود غیر معین^۱ دو راه کاملاً متفاوت را در پیش گرفته‌اند. بسیاری از فقه‌های متأخر (معاصر) معتقدند هیچ دلیلی وجود ندارد که عقود تنها منحصر بر عقدهایی باشد که در زمان شارع شایع بوده است.^۲ در مقابل بیشتر فقه‌های متقدم بر این باور هستند که تنها عقودی که نامشان در شرع آمده، صحیح و قابل اعمال می‌باشند و ایجاد هرگونه عقود جدید باطل و ممنوع است.^۳

در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که بر مبنای نظر فقه‌های متقدم، نمی‌توان راهی برای بررسی عقود جدید یافت، اما برخی محققان برداشت و استنباط دیگری از نظر آنان دارند. براساس برداشت دوم، نبود یک عقد در زمان تشریع به تنهایی مجوزی برای بطلان آن نیست، بلکه باید در لوای یکی از عقود مطرح شده، مورد بررسی قرار بگیرد و در صورتی که عقود غیر معین از نظر ماهوی با آنان تطابق داشته باشد، می‌توان به صحت آن رأی داد.^۴ به عبارت دیگر برخلاف روش متأخران ورود ابتدایی به مسائل مستحدثه در این شیوه امکان ندارد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که «دیدگاه فقه‌های فریقین در رابطه با بیمه‌های اجتماعی و تعاونی چیست؟»

لازم به ذکر است، ابن‌عابدین در اهل سنت و محمدکاظم یزدی در شیعه اولین فقهانی هستند که در کتابهای فقهی خود به موضوع بیمه پرداخته‌اند. قبل از این بزرگواران، ما نشانه و شواهدی را نمی‌یابیم که دیگر فقها بدین موضوع اهتمام داشته باشند. با تعمق در سیر تاریخی مواجهه فقها با بیمه، برای ما روشن می‌شود که بیمه به عنوان یک موضوع جدید مورد توجه حقوق دانان اسلامی قرار گرفته است. البته علت سکوت فقها در این رابطه را باید رایج و شایع نبودن چنین عقدی در میان مسلمان دانست. به سخن دیگر بعد از زمان این دو فقیه بزرگ این موضوع بیشتر مورد ابتلا قرار گرفت و پاسخگویی بدان بیشتر از

هر زمان دیگر احساس شد.

تعریف عقد بیمه‌های اجتماعی و تعاونی

فقه‌های فریقین در بررسی عقد بیمه، ابتدا به تعریف کلی این عقد مبادرت نموده‌اند تا زوایای آن به درستی تبیین شود. از منظر آنان، بیمه تفاهم‌نامه‌ای میان بیمه‌گر (شرکت یا سازمان تأمین اجتماعی) و بیمه شده می‌باشد که بر این اساس، بیمه شده به بیمه‌گر در هر ماه یا سال مبلغ معینی را که در قرارداد (به نام قسط بیمه) تعیین شده می‌پردازد، در عوض بیمه‌گر به جبران زبانی می‌پردازد که به اموال بیمه شده وارد می‌شود. همچنین جبران خسارت، از مالی (قسط) که از اقساط بیمه شدگان جمع شده، به افراد آسیب دیده پرداخت می‌شود، به جای اینکه فرد آسیب دیده به تنهایی این ضرر را به دوش بکشد.^۵

با بررسی این دو تعریف از عقد بیمه، معلوم می‌شود که فریقین تقریباً به یک شیوه این عقد را تعریف کرده‌اند و از نظر آنان هدف اصلی از عقد بیمه جبران خسارت وارده بر فرد بیمه شده می‌باشد. این ویژگی به وضوح در دو تعریف ذکر شده دیده می‌شود.

فقها تنها به این تعریف کلی بسنده نکرده‌اند، بلکه با توجه به ماهیت بیمه، این عقد را به سه بخش کلی تجاری، اجتماعی و تعاونی تقسیم کرده‌اند و برای هر یک تعاریف مجزایی را به کار برده‌اند، البته در اینجا از تعریف بیمه تجاری خودداری می‌شود؛ زیرا از موضوع بحث خارج است.

۱) تعریف بیمه اجتماعی

بیمه‌ای است که از حقوق کارمند یا کارگر به صورت منظم، ماهیانه کسر شده و پس از بازنشستگی یا در هنگام بیماری و بروز حوادث، در طول خدمت به او پرداخت می‌شود و در مواردی این حق به صورت دارو در اختیارش قرار می‌گیرد که به آن اصطلاحاً مستمری گویند.^۶

۲) تعریف بیمه تعاونی

بیمه‌های تعاونی را گروه‌ها یا مؤسسات تعاونی تشکیل می‌دهند که در پی کسب سود و منفعت نیستند. این

۵. منهاج الصالحین، ص ۴۳۰؛ فقه المسلمین فی العقود التأمین دراسته فقهیه مقارنه، ص ۴۱.

۶. التأمین الاجتماعی فی ضوء الشریعة الاسلامیة، ص ۱۱۰.

۱. قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، ص ۹۵.

۲. مستند تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۰۹؛ نظام المضاربه فی الشریعة الغراء، ص ۲۴.

۳. جامع الشتات، ج ۱-۲، ص ۴۶۴.

۴. مجله فقه اهل بیت، ج ۸، ص ۱۴۶.



را بدین شرط پس نمی‌گیرند که صندوقی (سازمان) در هنگام بروز حادثه با توجه به ترتیبی که قسط را پرداخت می‌کند، به او کمک کند و این جبران کردن خسارت، بر مبنای کمک کردن در خیر و نیکی است»^۹.

شروط ضمن عقد در فقه اسلامی جایگاه مطلق ندارد و عقد باید مطابق قرآن و سنت باشد، در غیر این صورت باطل است. شرطی که بیمه شده برای شرکت بیمه می‌گذارد، از نوع نتیجه است که از نظر فقها جایز می‌باشد.^{۱۰} معلوم بودن مقدار بازپرداخت از سوی شرکت بیمه یا سازمان تأمین اجتماعی (مستمری و کمک هزینه درمان و ...) ایراد غروی هبه معوضه را که از سوی برخی فقهای عامه مطرح شده، رفع می‌کند.^{۱۱} فقهای امامیه، هبه معوضه را نسبت به سایر عقود متعارف (سنتی) به ماهیت بیمه نزدیک تر می‌بینند،^{۱۲} هرچند که از سوی برخی مخالفتهایی به چشم می‌خورد.^{۱۳}

۲) نسبت بیمه‌های اجتماعی و تعاونی با مضاربه

برخی از فقهای معاصر بیمه‌های اجتماعی را به عقد مضاربه تشبیه کرده و از این منظر حکم به جواز آن داده‌اند. رابطه این بیمه‌ها با عقد مضاربه این‌گونه است: ۱. بیمه شونندگان مبلغی به عنوان حق بیمه پرداخت می‌کنند که به حساب وجوه بیمه شونندگان واریز می‌شود. ۲. سهام‌داران شرکت (سازمان تأمین اجتماعی) حسابی را به عنوان حساب وجوه سهام‌داران ایجاد می‌کنند و هر یک سهم خود را به این حساب واریز می‌کنند. ایجاد این حساب که متمایز از حساب وجوه بیمه شونندگان است، به مثابه تشکیل شرکت است. ۳. سود حاصل از سرمایه گذاری وجوه بیمه شونندگان، به نسبت توافق شده بین بیمه شونندگان و مجری (سازمان تأمین اجتماعی) تقسیم می‌شود. واریز وجه به حساب وجوه بیمه شونندگان و حساب وجوه سهام‌داران با توجه به سهم نسبی آنها از سود سرمایه گذاری، صورت می‌پذیرد. در صورتی که زیان وجود داشته باشد، تنها در حساب وجوه بیمه شونندگان منظور

گروهها، از بیمه شدگانی تشکیل می‌شود که بدون واسطه همدیگر را بیمه می‌کنند، به جز سازمانهایی که آنها را عضو کرده و در برابر خطر احتمالی بیمه شدگان را در چتر حمایتی خود قرار دهند. هدف هر بیمه شده از پرداخت وجه بیمه، همکاری با هم‌قطارهایش جهت کاهش یا دفع ضرر یکی از اعضای آسیب دیده می‌باشد.^۷

با بررسی تعاریفی که فقها از این دو نوع بیمه نموده‌اند، به روشنی فهمیده می‌شود که بیمه‌های تعاونی و اجتماعی یک هدف را دنبال می‌کنند که همان تعاون و کمک به هم‌نوع می‌باشد، اما از جهاتی باهم اختلاف دارند: ۱. بیمه‌های تعاونی، اجباری نیستند، اما در بیمه‌های اجتماعی الزام وجود دارد. ۲. قانون در بیمه‌های اجتماعی، افراد بیمه شده را معین می‌کند، اما در بیمه‌های تعاونی هر گروه و صنعتی می‌تواند مبادرت به تشکیل این بیمه کند.^۸

بررسی دلایل موافقان بیمه‌های اجتماعی و تعاونی

موافقان بیمه‌های اجتماعی و تعاونی برای اثبات صحت این عقد از دو منظر وارد بحث شدند: ۱. تطبیق عقد بیمه با یکی از عقود رایج در زمان تشریح. ۲. مطابقت عقد بیمه با اصول کلی صحت معامله.

۱) نسبت بیمه‌های اجتماعی و تعاونی با هبه معوضه

بخشیدن حق یا مال خود به دیگران حقی است که عقل و شرع آن را تأیید می‌کنند و در اصطلاح فقهی از آن به عنوان هبه یاد می‌شود. فردی که چیزی به دیگری می‌بخشد، می‌تواند این کار را رایگان انجام دهد، یا در قبال آن عوضی بخواهد. در لسان فقها به این نوع هبه، هبه معوضه می‌گویند. برخی از فقها بیمه را مرتبط با این عقد دانسته‌اند. در این زمینه یکی از فقهای فریقین نوشته است: «بیمه تعاونی یا اجتماعی، آن‌طوری که ذکر شده، در هبه معوضه وارد می‌شود. در این نوع بیمه، بیمه شدگان به صورت تیرعی اقساط را به حساب صندوق شرکت یا سازمان اجتماعی واریز می‌کنند و این اقساط

۷. الوجیز فی مشروعیة التأمین و انواعه، ص ۴۳؛ فقه المسلمین فی العقود التأمین دراسته فقهیه مقارنه، ص ۱۰۹.

۸. عقد التأمین حقیقتیه و مشروعیته، صص ۲۱۵-۲۱۸.

۹. التأمین الاسلامی، ص ۲۵۵.

۱۰. فقه المسائل المستحدثة، ص ۹۹.

۱۱. المغنی و بلیه الشرح الکبیر، ج ۶، ص ۲۴۷.

۱۲. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۱۲.

۱۳. فقه الشرکة علی نهج الفقه و القانون و کتاب التأمین، ص ۲۱۸.



می‌شود. ۴. منافع حاصل از تکافل به ذی‌نفعان پرداخت می‌شود، به عبارت دیگر شرکت بیمه (سازمان تأمین اجتماعی) از سود حاصل در امور سرمایه‌گذاری شده، اقدام به جبران خسارت بیمه‌شدگان می‌کند.

با توجه به مراحل که در بالا ذکر شد، بیمه‌شوندگان آنچه را پرداخت کرده‌اند، یکبارہ دریافت می‌کنند، بنابراین سودی از طریق قیمت‌گذاری بیش از حد محصولات بیمه به دست نخواهد آمد و سودها تنها از طریق سرمایه‌گذاری حاصل می‌شود. شرکت بیمه (سازمان تأمین اجتماعی) بازدهی خود را از طریق سهم سودش در مضاربه به دست می‌آورد.^{۱۴}

تداعی عقد مضاربه با بیمه‌های اجتماعی و تعاونی در ایران عینی و ملموس است. سازمان تأمین اجتماعی به عنوان عامل، از حق بیمه‌ای که توسط کارفرما دریافت می‌کند، در فعالیتهای اقتصادی مانند احداث کارخانه، راه‌سازی و ... بهره می‌برد و سود حاصل از آن را برای الزاماتی که قانون برای بیمه‌شدگان در نظر گرفته، اختصاص می‌دهد.

۳) نسبت بیمه‌های اجتماعی و تعاونی با ضمان

با بررسی کتب فقهی درمی‌یابیم که در لسان فقها ضمان دارای دو معنا می‌باشد: ۱. الزامی است که فرد به سبب خسارت زدن به دیگری باید به جبران آن خسارت بپردازد که آن را ضمان تلف هم می‌نامند. ۲. عقد ضمان، عمدتاً عقد تبرعی است که افراد برخوردار و ثروتمند یا افراد موجه از نظر اجتماعی، به عنوان پشتوانه اعتبار افراد تنگدست یا ناشناخته (از نظر توان مالی یا پابندی به تعهدات) وارد تعامل با طرفهای مالی ایشان می‌گردند و پرداخت هزینه‌های مالی آنان را تضمین می‌کنند و بر عهده می‌گیرند، یا این کار را مستتر به خاطر اطمینان نداشتن به فروشنده انجام می‌دهد که به آن اصطلاحاً ضمان عهده می‌گویند.^{۱۵}

در اینجا منظور قسم دوم ضمان می‌باشد؛ چون قسم اول ضمان ربطی به بیمه‌های اجتماعی و تعاونی پیدا نمی‌کند،

علاوه بر آن شخصی وجود ندارد که ضرر را متحمل بشود و شخصی که ضرر زده، باید خود به جبران خسارت بپردازد، اما قسم دوم با بیمه ارتباط پیدا می‌کند؛ فردی که ضامن است می‌تواند به جبران خسارت بپردازد، در این اینجا فرقی نمی‌کند که ضمانت‌کننده شخصیت حقیقی داشته باشد یا حقوقی.

در بررسی ارتباط ضمان با بیمه‌های تعاونی و اجتماعی باید به این نکته توجه کرد که بیمه‌گر با شرایط خاص، متعهد پرداخت تعهدات مالی افراد می‌گردد و آن را ضمانت می‌کند و معمولاً کاری به رضایت یا عدم رضایت فرد بیمه‌شده (مضمون‌عنه) ندارد و رضایت وکلای آنان را در تصویب قوانین و تأیید آن - در ادوار مختلف - برای این امر کافی می‌داند. علاوه بر آن مقدار تعهدات مالی بیمه‌شده در طول زمانی که حق بیمه می‌پردازد (یا پس از آن) معلوم نیست و از نظر ضمانت‌کننده (بیمه‌گر)، این امر مصادق ضمان مجهول است.^{۱۶}

فقها فارغ از بحث تطبیق بیمه با ضمان، در نحوه شکل‌گیری این عقد اختلاف نظر دارند که ارتباط مستقیمی با موضوع بحث حاضر دارد. اگر ما رضایت مضمون‌له را در ضمان شرط لازم و صحیح بدانیم، بیمه‌های اجتماعی و تعاونی از نوع عقد رضایی نخواهند بود. البته این اشکال تنها مربوط به بخش ضمان نبوده و در سایر عقود هم به چشم می‌خورد؛ زیرا رضایت، پایه و اساس تمامی عقدهاست. در قسمت بعدی به طور مفصل به این موضوع می‌پردازیم و در اینجا مجهول بودن مقدار ضمانت برای ضامن را بررسی می‌کنیم. برای ورود به بحث لازم است که اقوال فقهای موافق و مخالف ضمان مجهول برای تبیین بحث آورده شود:

شیخ طوسی در این مورد نوشته است: «ضمان مجهول صحیح نیست، خواه بر بدهکار لازم گردیده باشد یا نه، ضامن ما لم یجب درست نیست، خواه مقدار آن معلوم باشد یا مجهول ... دلیل ما نهی نبی(ص) از معامله غروی می‌باشد؛ چون نمی‌داند چه مقدار مال بر او لازم شده

۱۴. بحوث فقهیه فی قضا یا اقتصادیه معاصره، ص ۳۶؛ خدمات مالی اسلامی، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۱۵. ضمان العقد فی الفقه الاسلامی، ص ۲۹.

۱۶. اسلام و تأمین اجتماعی، ص ۳۸۶؛ عقد التأمین حقیقه و مشروعیت، ص ۴۵۱.

است (چه مقدار ضامن شده است)، پس هرکسی که مدعی صحت آن است، باید دلیل اقامه کند».^{۱۷}

کاسانی حنفی در جواب کسانانی که ضامن مجهول را به دلیل نامعلوم بودن مقدار ضمانت نفی می‌کنند، بیان کرده است: «در ضامن مجهول جهل آشکاری که سبب گردد تا از انجام آن منع شود، وجود ندارد؛ چون گسترش جهل بر سر زمان و مقدار، موجبات منازعه را فراهم می‌کند، حال آنکه این امر در ضامن مجهول اتفاق نمی‌افتد؛ چون منعقد شدن آن براساس مسامحه می‌باشد، در حالی که در دیگر موارد چنین نیست؛ زیرا مضمون له می‌تواند حق خود را از اصیل (ضامن) دریافت کند برخلاف بیع».^{۱۸}

موافقان صحت ضامن مجهول برای نیل به هدف خود به روایت نبوی «الزعیم غارم» استناد می‌کنند. لفظ «غارم» در این حدیث به صورت مطلق به کار برده شده و مقید به معلوم بودن مقدار ضمانت نیست؛ البته نباید جهل به میزان ضامن برای ضمانت کننده (ضامن) استمرار داشته باشد، بلکه بعد از عقد باید به نحوی از آن اطلاع یابد، در غیر این صورت ضامن باطل می‌شود.^{۱۹} از نظر نگارنده تحلیلی که فقها در صحت و بطلان ضامن مجهول از خود ارائه می‌دهند، حول ماهیت این عقد می‌چرخد. در فرضیه اول اگر ما ضامن را جزء عقود مغایبه‌ای بدانیم، ناگزیر به رعایت شرایط اساسی صحت معامله در آن هستیم، بنابراین مجهول بودن یکی از عوضین به هیچ وجه قابل اغماض نخواهد بود. در فرضیه دوم، ذات مسامحه‌ای ضامن این امکان را فراهم می‌کند که عوض در آن نامعین باشد.

در مورد صحت ضامن درک هیچ اختلافی وجود ندارد و این ضامن از نظر ملاک و معیار با بیمه یکسان است. پس اگر فقهای شیعه و سنی، بر جواز این ضامن فتوا داده‌اند، بنابراین می‌توان از منظر عقد ضامن معاوضه‌ای به قراردادهای بیمه و خصوصاً بیمه اجتماعی نگاه کرد و آن را مصداقی از ضامن دانست (چون کسی مدعی

بطلان ضامن عهده‌ای معاوضه‌ای نشده) با این تفاوت که در اموری همچون بیکاری، از کارافتادگی، بیماری و امثال آن شرعاً کسی مسئول و ضامن نیست، تا بتوان آن را با عقد ضامن، بر عهده دیگری گذاشت، حال آنکه بیمه‌گر، جبران این گونه خسارتها را در مقابل حق بیمه بر عهده می‌گیرد و این ضمانت، با ضامن شرعی متفاوت است.^{۲۰}

۴) نسبت بیمه‌های اجتماعی و تعاونی با صلح

یکی دیگر از عقود که می‌توان بین آن و بیمه‌های اجتماعی و تعاونی نسبت برقرار کرد، عقد صلح می‌باشد. از منظر فقها صلح عقدی می‌باشد که برای رفع تنازع بنا شده است، اما وجود آن لزوماً وابسته به نزاع و دعوا نمی‌باشد و می‌تواند بدون اختلاف قبلی هم منعقد شود.^{۲۱} برخی از فقها صلح را یک عقد مستقلی نمی‌دانند و آن را تابعی از دیگر عقود مانند بیع، هبه و ... برمی‌شمارند، اما بسیاری از فقها با این نظر مخالف هستند و صلح را یک عقد مستقل می‌دانند، دلیل آنان بر این اصل مبتنی است: اصل بر عدم فرع است؛ علاوه بر آن قائل هستند علم به مورد مصالحه شده برای مصالحین لازم نمی‌باشد.^{۲۲}

اگر ما صلح را یک عقد مستقل ندانیم، نمی‌توانیم بیمه‌های اجتماعی و تعاونی را بدان نسبت بدهیم و باید در لوای عقد اصلی بررسی شود.^{۲۳} تنها با وجود مستقل بودن آن، می‌توان در نسبت ارتباط عقد صلح با این دو بیمه بحث کرد، به غیر از آن نبودن شرط علم تفضیلی به موضوع مورد صلح سبب می‌شود که اشکال جهل و غرر از آن رفع شود. از این رو برخی از فقهای معاصر بیمه‌های اجتماعی و تعاونی را به عقد صلح نسبت داده‌اند.

در این زمینه حسین حلی نوشته است: «از جمله راههایی که ما پیشنهاد می‌کنیم این است که بیمه از باب صلح است، بدین حیث که بیمه شونده و بیمه‌گر باهم مصالحه می‌کنند که بیمه‌گر خسارتهایی را که به بیمه شونده وارد می‌شود، جبران کند، به شرطی که بیمه شونده مقداری از مال را به او بدهد. ممکن است صلح این‌طور واقع شود که

۱۷. الخلاف، ج ۳، ص ۱۳۹؛ به همین مضمون: السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۷۷؛ المحلی، ج ۸، ص ۱۱۷؛ المجموع شرح المذهب، ج ۱۳، ص ۱۳۲.

۱۸. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۴، ص ۶۰۲؛ به همین مضمون: المقنعه، ص ۸۱۵؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۵، ص ۴۸۱.

۱۹. العروة الوثقی مع تعالیق الامام خمینی، ص ۹۳۷.

۲۰. اسلام و تأمین اجتماعی، ص ۳۸۷.

۲۱. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۹۹؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۶، ص ۲۱۱.

۲۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲۳. بحوث فقهیه فی قضا یا اقتصادیه معاصره، ص ۱۷۰.





بیمه شونده مقداری از مال خود را هر ماه به صورت معین به بیمه‌گر بدهد و شرکت در مقابل به جبران خسارت او بپردازد»^{۲۴}.

در اینجا بیمه شونده را می‌توان کارمند دولت یا صاحبان حرف و مشاغل تصور نمود که هر ماه بخشی از درآمد خود را به حساب صندوق سازمان تأمین اجتماعی یا شرکت تعاونی واریز می‌کند، در عوض در هنگام مشکلاتی از قبیل بیماری، بیکاری و ... شرکت به کمک و حمایت او می‌پردازد.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردیم، فقهای متأخر در بررسی عقود جدید به هیچ وجه خود را محدود به چهارچوب عقدهای زمان شارع نکرده و تلاش خود را بر این متمرکز کرده‌اند که آیا این عقود با اصول کلی معامله در حقوق اسلامی سازگار است یا خیر؟ فقها برای پاسخ به این سؤال بیشتر به اشکالات منتقدان در زمینه رابطه بیمه با شرایط اساسی معامله پاسخ داده‌اند.

۵) اصالت صحت

می‌دانیم تأسیس معاملات از سوی عرف و عقلا برای رفع نیازهای زندگی بوده است؛ زیرا تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، مبتنی بر مبادله و معاوضه می‌باشد. معاملات برخلاف عبادات، توسط شارع تأسیس نشده است، بلکه نیازهای اجتماعی سبب شده که عرف به تأسیس معاملات و عقود بپردازد. به همین علت، علمای اصول، با توجه به ماهیت عقود، اقدام به تأسیس قاعده‌ای به نام اصالة الصحة نمودند که در میان فقها بسیار مشهور و مرسوم است. بر طبق این قاعده اگر عملی از کسی سر زد و در درستی آن شک داشتیم، با اجرای اصالة الصحة باید عمل او را بر صحت حمل کنیم و تمام آثار عمل صحیح را بر آن بار نماییم. پس بیمه تا زمانی که با اصول کلی نفی شده در معاملات، مخالفتی نداشته باشد، صحیح و درست می‌باشد.^{۲۵} به عبارت دیگر در صورتی که ما در صحت یا فاسد بودن یک عقد شک داشته باشیم و چنانچه ما قائل به تقدم اصالت صحت بر استصحاب باشیم، می‌توان حکم به درستی عقود جدید مانند بیمه نمود، در غیر این صورت

نمی‌توان از این اصل رهیافتی برای موضوع خود یافت.^{۲۶} شهید مطهری در تأیید نظریه دوم نوشته است: «ما هیچ دلیلی نداریم که همه معاملات صحیح باید داخل باشد، در یکی از معاملات متعارفی که در فقه مطرح است. هیچ دلیلی بر انحصار نداریم، بلکه اصول فقهی ما اعم را اقتضا می‌کند. می‌گویند ما یک سلسله عموماً داریم؛ یعنی کلیات، اصول اولیه، اصول کلی. این عموماً که به شکل عام و کلی طرح شده است، می‌گوید: هر معامله و عقدی که میان دو نفر صورت بگیرد درست است الا موارد خاص»^{۲۷}.

۶) آیه اوفوا بالعقود

استدلال به این آیه کریمه، در تصحیح عقود و لزوم آن، نزد فقها شهرت یافته و متداول می‌باشد. این آیه مقام پیمانهای الهی - انسانی و نیز پیمانهای سیاسی، اقتصادی و ... را دربر می‌گیرد و یک مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است. فقها برای اثبات و لزوم عقد به کلمه العقود در این آیه تمسک کرده‌اند؛ چون این کلمه، جمع مَحَلّی به الف و لام بوده و مفید عموم می‌باشد، علاوه بر آن این آیه مطلق است و هیچ تخصیصی نخورده است. با در نظر گرفتن این دو مورد، نتیجه می‌گیریم که آیه فوق دلیل بر وجوب وفای به تمام پیمانهایی خواهد بود که میان افراد بسته می‌شود، از این رو بیمه یک عقد می‌باشد، پس وفای به آن لازم است.^{۲۸}

بررسی دلایل مخالفان بیمه‌های اجتماعی و تعاونی

مخالفان بیمه‌های اجتماعی و تعاونی به مانند موافقان برای رد این عقد از دو شیوه بهره برده‌اند: ۱. با وجود احکام سنتی مانند زکات و خمس نیازی به بیمه نیست. ۲. عدم تطبیق بیمه با اصول کلی صحت معامله.

۱) بیمه و احکام سنتی حمایتی در فقه

مخالفان عقد بیمه با توجه به احکام حمایتی در فقه مقارن (زکات، خمس و ...) دو اشکال را مطرح می‌کنند:

۲۶. همان، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲۷. مسئله ربا به ضمیمه بیمه، صص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۲۸. مبانی فقهی روابط بین‌الملل، ص ۷۴.

۲۴. بحوث فقهیه، ص ۳۹.

۲۵. القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۴۴.

اشکال اول: نیازی نیست ما به بیمه‌های تعاونی و اجتماعی پناه ببریم؟! چون قانون اسلام براساس تکافل و تعاون استوار شده و در همه عصرهای زندگی نمود و جریان دارد.

اشکال دوم: قرار گرفتن بیمه‌های تعاونی و اجتماعی به جای زکات و صدقات درست نیست؟! آیا این دو بیمه جایگاهی والاتر از زکات و صدقات دارند؟! اگر چنین باشد آیا زکات و صدقات نیاز جامعه اسلامی را کفایت نمی‌کند؟! بیمه تعاونی و اجتماعی شکل جدیدی از عقدهای قدیمی است که بر پایه ضرر است، پس تکلیف شرعی شخص متضرر چیست؟!^{۲۹}

در جواب این دو اشکال باید گفت:

۱. اسلام نیاز به تأمین را، با توجه به مبادی عام (اصول کلی) که در هر معامله باید رعایت شود، حل کرده است، کسی منکر آن نیست که بیمه‌های تعاونی و اجتماعی عقود جدیدی هستند، اما با اصول کلی در تعارض نمی‌باشند، پس امکان قبول آن وجود دارد. علاوه بر آن اسلام جلوی باور ساختن نیازها را نمی‌گیرد، ابزار قانونی اسلام مشخص است، اما ابزار جدید، می‌تواند در کنار آن قرار بگیرد. زکات معمولاً قادر به برآوردن نیازهای فراوان فردی یا گروهی ناشی از حوادث جدید نیست، اگر غیر این باشد، چرا فقهای بزرگ باب اجتهاد را باز کرده‌اند.

۲. این بیان درست نیست که بیمه‌های تعاونی و اجتماعی به جای زکات قرار گرفته‌اند؛ چون زکات مصارف شمرده شده دارد که باید منحصرأ در آن استفاده شود و بیشتر مواقع مشکلات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی فردی یا اجتماعی را تأمین نمی‌کند. اگر ما تنها به زکات اکتفا کنیم، بار سنگین خصوصاً در زمان جنگ بر دوش بیت‌المال خواهد افتاد. بیمه تعاونی و اجتماعی یکی از انواع صدقات می‌باشد که - چون هدفش تکامل است - شرایط آن بر محتاجان و نیازمندان معینی وفق می‌کند. بیمه تعاونی و اجتماعی وسایل جدیدی در کنار لوازم شرعی می‌باشد و جایز نیست که بگوییم شریعت خدا نمی‌تواند اهداف و مقاصد را تأمین کند. هیچ ارتباطی بین زکات و بیمه‌های

۲۹. التأمین و احکامه، صص ۳۶۱ و ۳۶۲؛ العقود الشریعة الكاملة للمعاملات المالية الشرعیة، صص ۱۵۸-۱۶۰.

تعاونی و اجتماعی وجود ندارد. زکات وجوه شرعی‌ای است که فرد باید آن را ادا کند و بر فرض جمع شدن زکات و کفایت نکردن مقدار آن، اگر کسی خواست بیشتر از آن مسلمانان گرفتار را کمک کند، آیا گفتن این مطلب که زکات هست و کفایت می‌کند صحیح است؟^{۳۰}

۲) بیمه‌های اجتماعی و تعاونی عقد غروی هستند

تعاریف زیادی از اصطلاح غرر در کتب فقهی فقهای فریقین وجود دارد، اما این تعاریف به هم خیلی نزدیک هستند. از نظر آنان، غرر، عملی است که نمی‌تواند از ضرر در امان باشد.^{۳۱}

فقهای اهل سنت یکی از دلایل بطلان بیمه تجاری را، غروی بودن این بیمه می‌دانند، اما کسانی که به جواز این بیمه قائل هستند، به این استدلال اعتراض کرده و معتقد هستند که بیمه‌های اجتماعی هم مانند بیمه تجاری عقد غروی هستند. مصطفی زرقا می‌نویسد: «در هر دو نظام بیمه، فرد قسط ناچیزی را به صورت مستمر پرداخت می‌کند که نمی‌داند قسط او تا موعد بازنشستگی به چه مقدار خواهد رسید؟! در بیمه اجتماعی فرد یا خانواده‌اش در ازای این قسط متناوب، مبلغ زیادی را به صورت دائم، در هنگام بازنشستگی دریافت می‌کنند، در حالی که در بیمه تجاری عمر، دریافت مبلغ به صورت فردی می‌باشد. در بیمه اجتماعی مبلغ دریافتی از مجموعه اقساط بالاتر می‌رود و فرد بازنشسته نمی‌داند مجموع پول دریافتی از زمان بازنشستگی تا مرگ چقدر خواهد شد، در حالی که مقدار پول دریافتی در بیمه عمر مشخص است. پس غرر و جهل در بیمه اجتماعی بیشتر از بیمه‌های تجاری عمر می‌باشد؟ پس چرا نظام بازنشستگی (اجتماعی) که بین دولت و کارمندان می‌باشد، خوب است؟! اما نظامی که بین مردم در جریان است و به آن ملزم هستند، جایز نیست؟»^{۳۲}

علمای اهل سنت برای اینکه یک معامله غروی باشد، چهار

۳۰. الوجیز فی مشروعیة التأمین و انواعه، صص ۳۵-۳۷.

۳۱. مصباح الفقاهة فی المعاملات، ج ۶، ص ۱۷۳؛ حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳۲. نظام التأمین، ص ۶۴؛ به همین مضمون: التأمین و احکامه، ص ۷۱.





شرط ذکر کرده‌اند: ۱. غرر، فاحش (زیاد) باشد. ۲. غرر، در عقد مؤثر باشد. ۳. مردم به این عقد احتیاج نداشته باشند. همه عقدهایی که از طرف شارع تشریح شده، برای رفع حرج از مردم می‌باشد، همان طوری که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»^{۳۳} هیچ شکی نیست که منع مردم از عقدهای که بدان نیاز دارند، قرار دادن آنها در سختی و جرح است، پس عدل و رحمت شارع اقتضا می‌کند: عقودی که مردم به آن احتیاج دارند را مباح کند، هرچند که در آن غرر باشد. به طور قطع بیمه‌های اجتماعی شامل این مورد نمی‌شود.^{۳۴} ۴. غرر در عقود معاوضی مالی می‌باشد. جمهور فقهای اهل سنت و بسیاری از علمای شیعه معتقد هستند که غرر در عقود تبرعی جاری نمی‌شود. بیمه‌های اجتماعی هم یک عقد تبرعی است. بنابراین بیمه‌های اجتماعی خروج تخصصی از موضوع غرر دارد.

۳) بیمه‌های اجتماعی و تعاونی عقد ربوی هستند
ربا - از نظر فقهی - عبارت است از: معاوضی که یکی از طرفین در مقدار زیادی دارد و این اضافی فرقی نمی‌کند در بیع باشد یا غیر آن. برای تحقق ربا این دو شرط لازم است: ۱. مورد معاوضه از نظر عرفی یکی باشد، هرچند که از نظر صفت باهم اختلاف داشته باشند. ۲. مورد معاوضه قابل کیل و وزن کردن باشد.

این اشکال از سوی علمای شیعه مطرح شده است که بیمه اجتماعی را عقد ربوی می‌دانند: «در نظام بازنشستگی (بیمه اجتماعی)، مقداری از حقوق کارمند یا کارگر کسر می‌شود و به حساب شرکت بیمه (حساب تأمین اجتماعی) ریخته می‌شود و پس از بازنشستگی، علاوه بر مبلغی که او در این مدت داده است، بازگردانده می‌شود. مقدار زیادی هم هر ماه با توجه به سمت فرد بازنشسته (بیمه شده) به او پرداخت می‌گردد. بر این فرض این پرداخت زیادی ربا و حرام است»^{۳۵}.

۳۳. حج، ۷۸.

۳۴. الموسوعة الفقهية، ج ۲۸، صص ۱۵۱-۱۵۴؛ تقارير المؤتمرات الدولية مع مؤتمرات مجمع الفقه الاسلامي، ج ۳، ص ۱۰۵؛ حکم الشريعة الاسلامية في عقود التأمين، ص ۴۷.

۳۵. فقه المصارف و العقود، ص ۴۷۴.

امام خمینی (ره) جواب این اشکال را به زیبایی پاسخ داده‌اند: «اگر بیمه‌گر ملتزم شود که بیش از مبلغ حق بیمه پرداختی توسط بیمه شده را بازگرداند، همچون کسی که زندگی خود را در مدت معین با مبلغ معین بیمه می‌کند و تمامی اقساط ماهانه را می‌پردازد و شرکت بیمه ملتزم می‌گردد که علاوه بر مبلغ فوق، مبلغی را به عنوان تشویق و ترغیب بیمه شدگان بپردازد، پس این مبلغ اضافی از نوع ربای قرضی نیست؛ چرا که اقساط پرداخته شده از طرف بیمه شده قرض نبوده بلکه بیمه، قرارداد مستقلی است که در ضمن آن چیزی شرط شده است و این شرط جایز، لازم العمل است»^{۳۶}.

در حقیقت کسی که چنین اشکالی را مطرح می‌کند، استقلال قرارداد بیمه از عقود شناخته شده شرعی را قبول ندارد و بنابراین آن را در محدوده عقود شناخته شده بررسی می‌کند و مثلاً از قبیل قرض و وام می‌شمارد و بنابراین شروط صحت آن قراردادها را به بیمه نیز تسری می‌دهد، در حالی که اگر قرارداد بیمه را مستقل بداند، یا آن را از عقود شناخته شده - غیر از قرض - به شمار آورد، از تسری حکم خاص قرض به بیمه پرهیز می‌کند. به همین جهت چنین اشتراکی (بازگرداندن حق بیمه‌های دریافتی همراه با مبلغی اضافه) در عقد بیمه جایز است و عمل به آن لازم و واجب شمرده می‌شود.^{۳۷}

۴) بیمه‌های اجتماعی و تعاونی عقد رضایی نیستند

همه فقها اتفاق نظر دارند که یکی از شرایط صحت عقد این است که طرفین باید در انجام عقد رضایت داشته باشند و در صورت اکراه عقد نافذ نمی‌باشد، حال آنکه بیمه اجتماعی از طرف دولت به بیمه شدگان الزام می‌شود؟^{۳۸} در جواب باید گفت:

۱. الزام و اجبار در هر جامعه، عمدتاً ناشی از قدرت حاکمیت است و معمولاً حکومتها توان این کار را دارند. این الزام و اجبار، اگر از نوع التزامات قانونی و واجبات نظامیه، یعنی ضرورت‌های ناشی از مدیریت و ایجاد نظم و

۳۶. تحرير الوسيلة، ج ۲، صص ۶۱۰ و ۶۱۱.

۳۷. اسلام و تأمین اجتماعی، ص ۴۲۳.

۳۸. الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، ج ۲، ص ۲۰۹.

تدبیر اجتماعی باشد و حکومت نیز با رضایت مردم بر ارکان قدرت تسلط و مشروعیت سیاسی بیابد، پذیرفتنی است و تخلف از قانون جایز نیست. در حقیقت و از دیدگاه فقهی التزام به قوانین جامعه، تابعی از رضایت عامه و ضرورت‌های ناشی از زندگی اجتماعی است و در عمل نمی‌توان آن را از نوع اجبار و اکراه مفسد قراردادها، عقود و معاملات دانست.^{۳۹}

۲. فقهای اهل سنت بنابر قاعده مصالح مرسله، برای رعایت مصلحت و حفظ دین و نظم اجتماعی در جایی که نصی خاص یا مطلق وجود ندارد، معتقدند: می‌توان قائل به مشروعیت موضوعی مانند بیمه شد و از باب ضرورت و احتیاج، نظام اقتصادی این عقد را اثبات کرد. آنان نیاز را رافع اشکال فقهی اجبار دانسته‌اند.^{۴۰}

نتیجه‌گیری

بیمه‌های اجتماعی و تعاونی یکی از پدیده‌های عصر حاضر هستند که در جامعه جایگاهی حائز اهمیت دارند، به گونه‌ای که نظام تکافل یا حمایتی ما بدون آنها با مشکلات زیادی رو به رو می‌شود. فعالیت و گسترش این بیمه‌های حمایتی را نباید بر ناکارآمدی احکامی نظیر زکات، خمس و ... که توسط شارع مقدس وضع شده،

۳۹. نظریه ضرورت در فقه اسلامی، ص ۳۲۴.

۴۰. مصلحت و شریعت، ص ۱۰۴.

قلمداد کرد، بلکه این امر نشان دهنده پویایی دین اسلام و توافق آن با امکانات جدید - در صورت عدم تعارض با مبانی و ساختار دین - است؛ زیرا این بیمه‌ها در راستای منافع جوامع اسلامی فعالیت می‌کنند. حقوق‌دانان اسلامی در مواجهه با این بیمه‌ها تلاش نموده‌اند تا اصول آنها را با قواعد و دستورات دینی و اصول کلی معاملات مطابقت داده و برای یافتن راه‌حل جامع، بیمه‌ها را با یکی از عقده‌های معین انطباق دهند. البته لازم به ذکر است که عمده‌ترین اشکالات وارد بر بیمه‌های اجتماعی و تعاونی، ریشه در بیمه‌های تجاری دارد، به عبارت دیگر اگر فقها بتوانند راه‌حل مناسبی برای رفع مشکلات فقهی بیمه‌های تجاری ارائه دهند، بیمه‌های اجتماعی و تعاونی که بر مبنای تعاون و همکاری فعالیت می‌کنند، با مشکل جدی مواجه نخواهند شد.

در پایان باید گفت با توجه به هردو شیوه متقدمان و متأخران، بررسی عقد بیمه به شیوه متأخران مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ چرا که عقود منتج از عرف می‌باشند و شارع در بسیاری از موارد مبادرت به اصلاح آنها نموده و با ترسیم اصول کلی صحت معاملات، قالبی را طراحی می‌کند که به هیچ وجه مقید به زمان شارع نمی‌باشد و قابلیت تطبیق با هر موضوع جدیدی را دارد.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آل محمود، عبدالطیف محمود، التأمین الإجتماعی فی ضوء الشریعة الاسلامیة، بیروت، دارالنفائس، ۱۹۹۴م.
۳. ابن ادریس، السرائر الحساوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن حزم، محمد بن علی، المحلی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۵. ابن عابدین، محمد امین، حاشیہ رد المحتار علی الدر المختار، قاهره، السعادة، بی تا.
۶. ابن قدامه، المغنی ویلیه الشرح الكبير، بیروت، دارالکتب العربی، بی تا.
۷. احمد محمد عثمان، عبدالحکیم، فقه المسلمین فی عقود التأمین دراسته فقهیه مقارنه، اسکندریه، العلم والایمان، ۲۰۰۸م.
۸. اردبیلی، عبدالکریم، فقه الشریعة علی نهج الفقه والقانون و کتاب التأمین، قم، مکتبه امیرالمؤمنین، ۱۴۱۴ق.
۹. اسکندری، مصطفی، فقه المصارف والعقود، قم، مکتبه فذک، ۱۴۲۸ق.
۱۰. اشقر، محمد سلیمان و دیگران، بحوث فقهیه فی قضا یا اقتصادیه معاصره، بیروت، دارالنفائس، ۱۴۱۸ق.
۱۱. بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، تهران، مکتبه الصدر، بی تا.
۱۲. بوطی، محمد، مصلحت و شریعت، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، گام نو، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۳. تسخیری، محمد علی، تقاریر المؤتمرات الدولیه مع مؤتمرات مجمع الفقه الاسلامی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۴ق.
۱۴. توحیدی، محمد علی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، تقریرات ابوالقاسم خویی، بیروت، دارالهادی، ۱۹۹۲م.
۱۵. ثنیان، سلیمان، التأمین واحکامه، بیروت، دارالعوام، ۱۹۹۳م.
۱۶. حسان، حسین حامد، حکم الشریعة الاسلامیه فی العقود التأمین، قاهره، دارالاعتصام، ۱۹۷۶م.
۱۷. حکیم، سید محمد تقی، عقد التأمین حقیقه و مشروعیته، بیروت، منشورات حلبی، ۲۰۱۰م.
۱۸. حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ق.
۱۹. حلی، حسین، بحوث فقهیه، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۵ق.
۲۰. خمینی، روح الله، العروة الوثقی مع تعالیق الامام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.
۲۱. همو، تحریر الوسیله، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق.
۲۲. خمینی، مصطفی، مستند تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۳. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، نشر مهر، ۱۴۱۰ق.
۲۴. روحانی، صادق، فقه المسائل المستحدثه، حدیث، بی تا.
۲۵. زحیلی، وهبه، نظریه ضرورت در فقه اسلامی، ترجمه حسین صابری، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۲۶. زرقا، مصطفی، نظام التأمین، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۵ق.
۲۷. سبحانی، جعفر، نظام المضاربه فی الشریعة الغراء، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۶ق.
۲۸. شاحه حسین، محمد احمد، الوجیز فی مشروعیة التأمین و انواعه، اسکندریه، المکتب الجامعی الحدیث، ۱۴۲۶ق.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۸ق.
۳۰. همو، المبسوط فی فقه الامامیه، مکتبه مرتضوی، ۱۳۸۷ق.
۳۱. عبده، عیسی، العقود الشرعیة الکامله للمعاملات المالیه الشرعیة، قاهره، دارالاعتصام، ۱۹۹۷م.
۳۲. عبیدالله، محمد، خدمات مالی اسلامی، ترجمه محمد واعظ و دیگران، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۳۳. علوی، محمود، مبانی فقهی روابط بین الملل، تهران،



- اميركبير، ۱۳۸۵ش.
۳۴. غروي، محمد و ديگران، الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، بيروت، دارالتقليين، ۱۴۱۸ق.
۳۵. قابل، احمد، اسلام و تأمين اجتماعي، تهران، مؤسسه پژوهش تأمين اجتماعي، ۱۳۸۳ش.
۳۶. قره داغي، على محي الدين، التأمين الاسلامي، بيروت، دارالبشائر، ۱۴۲۷ق.
۳۷. قمي، ابوالقاسم، جامع الشستات في اجوبه السؤالات، تهران، مؤسسه كيهان، ۱۴۱۳ق.
۳۸. كاتوزيان، ناصر، قواعد عمومي قراردادها، شركت سهامی انتشار، ۱۳۸۵ش.
۳۹. كاساني حنفي، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۳۱ق.
۴۰. مجله فقه اهل بيت، جمعي از مؤلفان، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي.
۴۱. محقق حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ق.
۴۲. مطهري، مرتضى، مسئله ريا به ضميمه بييمه، تهران، صدرا، ۱۳۶۵ش.
۴۳. مفيد، المقنعه، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ق.
۴۴. الموسوعة الفقهية، گروهی از مؤلفان، كويت، دارالصفوة، ۱۴۱۲ق.
۴۵. نجات، محمد، ضمان العقد في الفقه الاسلامي، دمشق، دارالمكتبي، ۱۴۲۷ق.
۴۶. نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ق.
۴۷. نسوي، المجموع شرح المهذب، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۲۲ق.

